

## عنوان نشست: افغانستان، سرزمینی برای همکاری‌های منطقه‌ای

| شناسنامه نشست                      |                                                                                                                                                                                                   |
|------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| واحد برگزار کننده نشست:            | پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای فرهنگ پژوهی                                                                                                                                                         |
| مسئول نشست:                        | دکتر فائز دین‌پرست (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)                                                                                                                                         |
| تاریخ برگزاری نشست:                | ۱۳۹۶/۰۶/۲۷                                                                                                                                                                                        |
| اعضای هیئت علمی:                   | دکتر فائز دین‌پرست، دکتر ماندانا تیشه‌یار، دکتر ابراهیم سرپرست سادات، دکتر حمید حکیم، دکتر جعفر حق پناه (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر جهانگیر کرمی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) |
| نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط: | دکتر سید رسول موسوی (مشاور وزیر امور خارجه)                                                                                                                                                       |
| مسئله محوری نشست:                  | شناخت چالش‌ها و مسائل پیش رو و ارائه راهکارها به منظور توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای در افغانستان                                                                                           |
| سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:       | وزارت امور خارجه                                                                                                                                                                                  |

## چکیده مباحث طرح شده:

### مقدمه:

افغانستان به عنوان یکی از همسایگان جمهوری اسلامی ایران، کشوری است که افزون بر همسایگی با جمهوری اسلامی ایران، دارای قرابت‌ها و اشتراکات فراوان با ایران بوده و جزء حوزه تمدنی ایران محسوب می‌گردد. در کنار همه این موارد، مسائل دیگری چون شرایط ژئوپلیتیکی افغانستان نیز از جمله عواملی است که شرایط قابل توجه دیگری برای این کشور رقم زده و پتانسیل مناسبی را جهت تعامل با این کشور مهیا می‌سازد؛ به واقع می‌توان افغانستان

را سرزمینی برای همکاری‌های منطقه‌ای نامید؛ البته همکاری‌هایی که تا کنون و در مقام عمل به خوبی محقق نشده و از فرصت‌های مناسب در این زمینه به درستی استفاده نشده است. لذا شناخت چالش‌های پیش روی این موضوع و ارائه راهکارهای مناسب، موضوعی است که می‌باید مد نظر قرار گرفته و به آن پرداخته شود. بر همین مبنا و جهت انجام این مهم، به شکلی نظام‌مند در سه بخش عمده به این مسئله پرداخته شده است که عبارت‌اند از:

۱. تحولات و وضع موجود افغانستان
۲. افغانستان و همکاری‌های منطقه‌ای
۳. ایران و افغانستان؛ که بر همین اساس و بنابر آنچه که بیان شد در هر بخش به مسائل مربوط به آن حوزه پرداخته می‌شود.

#### افغانستان، تحولات و وضع موجود:

مسائل داخلی افغانستان از جمله مواردی است که ریشه در گذشته و تاریخ آن کشور دارد. به لحاظ مفاهیم و انگاره‌های تاریخی و ذهنی شکل گرفته، شاهد قداست سلطنت نزد مردم افغان هستیم و البته این به عنوان یکی از دلایلی است که هنوز و بعد از بعد فروپاشی نظام سلطنت در افغانستان، نظام باثباتی در افغانستان وجود نداشته است.

در بررسی وضعیت داخلی و تحولات افغانستان و با واکاوی ریشه‌های بی‌ثباتی و ناپایداری در افغانستان، به چهار بحران می‌توان اشاره نمود:

۱. **بحران مشروعیت:** در ظرف چهار دهه گذشته نظام‌های حاکم و دولت‌هایی که در افغانستان بر سر کار آمدند، هیچ‌یک نتوانسته‌اند مشروعیت لازم را کسب کنند و در این مدت شاهد بحران مشروعیت در این کشور بوده‌ایم. در طی این مدت، تمامی دولت‌های حاکم مشروعیت فراگیر نیافته و به علاوه شاهد بوده‌ایم که هریک از این دولت‌ها با کنار گذاشتن بعضی اقوام، این موضوع را تشدید نیز نموده‌اند. در کنار این مسئله، عدم مشروعیت بین‌المللی نیز موضوع دیگری می‌باشد که با آن مواجه بوده‌اند مانند طالبان. در این کشور انتخابات و به طور کل رویه‌هایی که می‌توانند در این مسئله تأثیرگذار باشند

نهادینه نشده‌اند. در همین راستا است که ملاحظه می‌شود حکومت کنونی نیز با چنین مشکل و بحرانی روبه‌رو می‌باشد.

۲. **بحران هویت:** بحران هویت و وجود اقوام متعدد و تعلقات و تعصبات خاصی که وجود دارد از جمله مسائلی است که در راستای رسیدن به ثبات و ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی در افغانستان همواره مشکل‌زا بوده است.

۳. **بحران مشارکت:** در کشور افغانستان اجماع ملی بر روی اهداف، منافع ملی و بالطبع سیاست خارجی بین اقوام وجود نداشته و به نوعی شاهد بلاتکلیفی سیاسی هستیم. شاید برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها جهت حل این موضوع (مشارکت سیاسی) و تقسیم وزارتخانه‌ها، به نوعی گامی در جهت بهبود مشارکت سیاسی بوده، ولی واقعیت این است که این مشکل کامل حل نشده است، چرا که نظام این کشور ریاستی بوده و به علاوه دولت کنونی افغانستان نیز به دو دلیل: ۱- ماهیت نظام و ۲- نگاه پشتون‌ها که مانع قدرت‌گیری بقیه می‌شود، هنوز نتوانسته است بر این مسئله فائق آید.

۴. **بحران توزیع:** توزیع امکانات و خدمات همواره متأثر از قدرت سیاسی و نظام حاکم بوده است و به دلیل فساد حکومت به نوعی شاهد شکاف طبقاتی در افغانستان بوده و این شکاف بین مرکز و پیرامون کاملاً محسوس است.

باید بیان داشت، مفهوم دولت - ملت<sup>۱</sup> در افغانستان شکل نگرفته و تعلقات قومی، مذهبی و ایالتی بر تعلقات ملی غالب است؛ بدیهی است که اگر تعلقات ملی وجود داشته و غالب باشد، دولت - ملت شکل می‌گیرد.

موضوع دیگر قابل اشاره درخصوص دولت کنونی افغانستان ماهیت این گونه دولت‌ها می‌باشد. دولت‌هایی از این جنس، معمولاً مشکلات خاص خود را دارند، که این موضوع در مورد افغانستان نیز صدق پیدا می‌کند. هرچند باید به این نکته اذعان داشت که - با توجه به مشکلات این گونه دولت‌ها - دولت کنونی افغانستان، بهتر از آنچه که در ابتدا نسبت به آن تصور می‌شد عمل نموده است.

---

۱ Nation State

با توجه به شرایط پیشین و کنونی می‌توان گفت که در افغانستان انسجام لازم وجود نداشته و نگاه به بیرون است. در افغانستان امنیت شکننده است و ثبات چشم‌انداز روشنی ندارد.

با توجه به آنچه که بیان شد، در عرصه داخلی به نکات زیر می‌توان اشاره نمود:

۱. ریشه‌دار بودن مشکلات افغانستان (به‌ویژه به لحاظ داخلی)

۲. بحران‌های داخلی و بی‌ثباتی

۳. عدم شکل‌گیری و تثبیت مفهوم دولت – ملت در افغانستان

۴. مشکلات و چالش‌های فراروی دولت وحدت ملی

۵. غلبه تعلقات قومی – مذهبی بر ملی

۶. ویژگی‌های ژئوپلیتیک افغانستان

### افغانستان و همکاری‌های منطقه‌ای (افغانستان و دولت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای):

در بررسی وضعیت افغانستان در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای و تعاملات آن با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، اولین و به تعبیری مهم‌ترین نکته‌ای که قابل اشاره می‌باشد، ژئوپلیتیک افغانستان می‌باشد. عوامل ژئوپلیتیکی افغانستان اعم از عوامل ثابت و متغیر مانند موقعیت، شکل، توپوگرافی (مرزها، ناهمواری‌ها و شبکه آب‌ها و رودها) و جمعیت از جمله عواملی هستند که در نقش این کشور در منطقه و نیز در عرصه بین‌الملل مؤثر می‌باشند. به لحاظ موقعیت و قرار گرفتن آن بین کشورهای چین، ایران، پاکستان و آسیای مرکزی (حیات خلوت روسیه)، واقع شدن در چهارراه شمال جنوب و شرق و غرب، قرار گرفتن در مسیر آسیا – اروپا، باعث شده که افغانستان به عنوان منطقه حائل محسوب شود که این مفهوم آن را از نگرش‌هایی که در قالب مفاهیم قبلی به آن وجود داشت خارج نموده است؛ و البته در کنار موقعیت باید به سایر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی این کشور نیز اشاره کرد که بر نقش و تعاملات این کشور با سایر کشورها و تعاملات و نگرش کشورهای دیگر به افغانستان تأثیر گذار است.

در همین راستا شاهدیم بازیگرانی به‌مانند چین همینک در عرصه اقتصادی به خوبی از فرصت‌های موجود استفاده کرده و از کشورهای دیگر در این عرصه فعال‌تر بوده است؛ و یا می‌توان به پاکستان و عربستان اشاره نمود که - در راستای منافع خود - در ایجاد تنش و بی‌ثباتی افغانستان تأثیر گذارند (نمونه بارز این موضوع می‌توان به طالبان اشاره نمود که پروژه‌ای بود آمریکایی که با پول سعودی و توسط پاکستان اجرا شد). اما بی‌شک به‌عنوان بازیگر اصلی در افغانستان باید به ایالات متحده آمریکا اشاره نمود که با استراتژی جدید خود در این کشور به فعالیت و نقش‌آفرینی ادامه می‌دهد. در پاسخ به چرایی هزینه‌هنگفت آمریکا در افغانستان، در کنار اهمیت عوامل ژئوپلیتیک، باید به خواست آمریکا مبنی بر حاکمیت هژمونی خود در منطقه اشاره نمود؛ که البته در کنار این مهم، علت اصلی را می‌توان در درون آمریکا دانست و نقشی که مجتمع‌های نظامی صنعتی در این میان ایفا می‌کنند و در همین راستا هم هست که بحث منافع آن‌ها از جنگ و اقتصاد جنگ مطرح می‌شود.

در مقام بررسی ویژگی‌های استراتژی جدید آمریکا در افغانستان می‌باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تعامل با پاکستان (۴۳ درصد خاک افغانستان در دست طالبان می‌باشد و این بدین معناست که این مناطق در اختیار پاکستان است).
۲. قدردانی از هند، که طبیعتاً این موضوع ناراحتی پاکستان را به همراه داشته و این امر بی‌ثباتی را تشدید می‌کند.
۳. این استراتژی زمان‌محور نیست، نتیجه‌محور است.
۴. اظهار به کمک آمریکا در پروسه دولت‌ملت‌سازی در کنار عدم دخالتش
۵. دادن اختیارات ویژه به نظامیان
۶. عدم اشاره به همکاری‌های منطقه‌ای و کشورهای منطقه. تنها به هند اشاره شده، که آن هم برای تذکر به پاکستان است.

همه نکات فوق نشان‌دهنده توجه کشورها و قدرت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای به افغانستان بوده که سعی در شکل‌دهی، هدایت و راهبری شرایط به نفع خود دارند. البته بجاست که به این نکته اشاره شود که وجه مشخصه افغانستان بعد از ۱۶ سال حضور خارجی، بی‌ثباتی بوده

است. پس از ۱۶ سال حضور آمریکا در افغانستان و قریب به ۸۰۰ میلیارد دلار هزینه در این کشور و نیز کمک‌هایی که به متحدانشان کرده‌اند، اکنون شاهدیم که نزدیک به نیمی از خاک افغانستان در اختیار طالبان بوده و مسائلی مانند مواد مخدر، آدم‌ربایی، گروه‌های تروریستی و حملات تروریستی سال به سال افزایش یافته‌اند و در واقع ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور بیشتر شده است، در عین این که سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یافته است.

در بحث همکاری‌های منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران پیشگام بوده و همواره بر این موضوع تأکید نموده است، و البته آشکال متفاوتی را هم برای این مهم شاهد بوده‌ایم؛ ولی نکته مهم این است که بازیگران اصلی در افغانستان -از آمریکا گرفته تا هند و پاکستان-، خواهان حضور و ایفای نقش ایران در این عرصه نمی‌باشند.

درخصوص پیمان‌های همکاری منطقه‌ای با محوریت و موضوع افغانستان و یا با حضور این کشور، باید به این نکته اشاره نمود همان‌طور که در این گونه پیمان‌ها ممکن است پیش بیاید، وجود مسائلی مانند اختلافات مرزی و ارضی، مداخله قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای، ساختار نامتوازن قدرت در منطقه (پیمان)، بی‌ثباتی داخلی کشورهای عضو، و حتی موقعیت جغرافیایی اعضای پیمان از جمله مواردی است که باعث عدم حصول اهداف مورد نظر این گونه پیمان‌ها می‌گردد. و در همین راستا، در چنین منطقه‌ای، تروریسم، افراط‌گرایی و تندروی، جدایی‌طلبی و فرقه‌گرایی و مواد مخدر از جمله مواردی است که مشکلات مزبور را مضاعف می‌نماید.

نکته دیگر قابل اشاره، ذکر این واقعیت است که افغانستان امن و باثبات، امری است حیاتی که امنیت را برای همسایگان خود به ارمغان می‌آورد و این موضوعی است که از منظر دولت‌های فرا منطقه‌ای و غیر همسایه، چندان اهمیت و رنگی ندارد. به واقع استفاده از فرصت‌های موجود در افغانستان نیازمند این است که دولت‌های بزرگ اراده و صداقت لازم را داشته باشند.

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها ... ۱۹۳

در هر حال ذکر دو نکته بسیار حائز اهمیت می‌باشد: ۱- امنیت در افغانستان، در امنیت منطقه تأثیر گذار است و ۲- همکاری‌های منطقه‌ای در کاهش تنش‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌ها مؤثر می‌باشد.

بر همین اساس، در خصوص بحث همکاری‌های منطقه‌ای و با توجه به مطالب بیان شده، در قالب مسائل مطرح و چالش‌های موجود در این عرصه به چند نکته می‌توان اشاره نمود:

۱. تأثیر و اهمیت ژئوپلیتیک افغانستان
۲. آسیب‌ها و ضعف‌های موجود همکاری‌های منطقه‌ای
۳. فرصت‌ها و تهدیدهای فرارو (آتی) همکاری‌های منطقه‌ای با موضوع/محوریت افغانستان
۴. وجود مشکلات و ضعف در ضمانت اجرا و الزام اجرای تعهدات و تفاهم‌نامه‌ها
۵. مشکلات، نگرانی‌ها و تهدیدات عمومی (مانند تروریسم و مواد مخدر)
۶. ضعف در راهبردهای کلان جهت همکاری و استفاده از فرصت‌ها
۷. نگاه کشورها به همکاری اعم از دوجانبه یا منطقه‌ای: (اهداف، برنامه‌ها، راه کارها و منافع)
۸. نقش قدرت‌های بزرگ در روابط کشورهای منطقه و افغانستان
۹. حضور، نقش و منافع دولت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (به‌مانند آمریکا، عربستان، روسیه، چین، هند و پاکستان) در منطقه
۱۰. عدم اجماع در منافع بازیگران
۱۱. توسعه اندیشه‌های افراطی
۱۲. توسعه تروریسم و نفوذ داعش در افغانستان
۱۳. امنیت و ترتیبات امنیتی
۱۴. ضعف راه کارهای (موجود و آتی) ارتقاء و گسترش همکاری‌ها
۱۵. وجود عواملی دیگر غیر از اقتصاد که بر همکاری‌های منطقه‌ای اثر می‌گذارد.
۱۶. حمل و نقل و ترانزیت و انرژی

## روابط ایران و افغانستان:

در بررسی روابط ایران و افغانستان، بی‌شک اولین نکته‌ای که خود می‌نمایاند، همسایگی، قرابت و اشتراکات موجود است که به نظر می‌باید روابط خوبی را رقم بزند؛ اما روابط ایران و افغانستان در عمل با فراز و نشیب فراوان همراه بوده به واقع باید بیان داشت که این همسایگی، اشتراکات و قرابت‌ها در کنار فرصت، تهدیدها و معایبی را نیز به همراه آورده است؛ به تعبیری نزدیکی و انتظارات با یکدیگر رشد نکرده‌اند و در این زمینه مشکلاتی از سوی هر دو طرف وجود داشته است. مواردی مانند حضور آمریکا و ناتو در افغانستان، تأثیر و نفوذ عربستان در افغانستان و نزدیکی این دو کشور، توسعه اندیشه‌های افراطی و تقابل شیعه و سنی، توسعه تروریسم و نفوذ داعش در افغانستان، مواد مخدر، حق آبه هیرمند، مهاجرین افغانی حاضر در ایران و پدیده ایران هراسی در افغانستان از جمله موضوعاتی است که در روابط دو کشور مؤثر بوده است.

در این راستا هر چند می‌توان گفت که دولت افغانستان تقریباً به خوبی توانسته با ایران و غرب توأمان رابطه برقرار کرده و توازنی بین این دو برقرار نماید (در این زمینه موفق عمل نموده است)، ولی بی‌تردید باید به این مهم اشاره داشت که طرف‌های ثالث بر روابط دو جانبه ما با کشورهای همسایه و از جمله افغانستان تأثیر گذار می‌باشند.

بی‌شک نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار مبادلات اقتصادی با افغانستان و حضور و نفوذ دولت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای معارض و رقیب در افغانستان، چیزی نیست که مطلوب ما باشد. لذا شناخت آسیب‌پذیری‌های روابط دو جانبه و توجه به این نکته که نگاه ایران به همکاری (دوجانبه و منطقه‌ای) با افغانستان چگونه است؟ هدف چیست و چه می‌خواهیم بکنیم؟ از جمله موضوعاتی است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد.

بر همین اساس و درخصوص مسائل تأثیر گذار و نیز چالش‌های روابط دو جانبه ایران و افغانستان می‌باید به نکات زیر اشاره نمود:

۱. مشخصه‌های ژئوپلیتیکی افغانستان
۲. آسیب‌های موجود در روابط ایران و افغانستان (اعم از دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای)



۳. نگاه ایران به همکاری اعم از دوجانبه یا منطقه‌ای: (اهداف، برنامه‌ها، راه کارها و منافع)
۴. ضعف راه کارهای (موجود و آتی) ارتقاء و گسترش همکاری‌ها
۵. اقتصاد و اولویت‌های اقتصادی
۶. کم‌رنگ بودن دیپلماسی عمومی
۷. حمل و نقل و ترانزیت و انرژی
۸. فرصت‌ها و تهدیدهای فرارو (آتی)
۹. ضمانت اجرا و الزام اجرای تعهدات و تفاهم‌نامه‌ها
۱۰. مشکلات، نگرانی‌ها و تهدیدات اعم از عمومی (مانند تروریسم و مواد مخدر) و دوجانبه (مانند حق آب به هیرمند)
۱۱. راهبردهای کلان جهت همکاری و استفاده از فرصت‌ها
۱۲. کم‌توجهی به فرهنگ به عنوان بستری مناسب برای همکاری
۱۳. نقش طرف‌های ثالث بر روابط ایران و افغانستان
۱۴. تعارض و تقابل منافع ایران و دیگر بازیگران عرصه افغانستان
۱۵. نقش و منافع دولت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (آمریکا، عربستان، روسیه، چین، هند و پاکستان) در منطقه
۱۶. حضور آمریکا در افغانستان
۱۷. نزدیکی و نفوذ عربستان در افغانستان
۱۸. توسعه اندیشه‌های افراطی و تعامل/تقابل شیعه و سنی
۱۹. توسعه تروریسم و نفوذ داعش در افغانستان
۲۰. ایران هراسی
۲۱. مهاجرین
۲۲. امنیت و ترتیبات امنیتی

### توصیه‌های سیاستی:

با توجه به آنچه که بیان گشت و با بررسی مسائلی که مطرح شد، در مقام ارائه توصیه و راهکار جهت توسعه همکاری‌ها (با نظر به سه بخش اصلی بحث)، می‌باید به موارد زیر اشاره نمود:

۱. حمایت از وجود دولت مرکزی و یکپارچه با حضور و توافق جناح‌ها و اقوام در افغانستان: با توجه به آنچه که در بخش اول بحث مطرح شد، بی‌شک وجود دولت مرکزی یکپارچه و مقتدر و با حضور و توافق جناح‌ها و اقوام در افغانستان و حمایت کشورهای دیگر از این امر، موضوعی است که پیش‌نیاز حل بحران‌های داخلی در افغانستان و ایجاد ثبات و امنیت در این کشور می‌باشد؛ و طبیعی است که در چنین شرایطی بستر همکاری‌ها در این کشور ایجاد شده و اهداف تمامی طرفین و بازیگران از همکاری حاصل می‌گردد.
۲. آسیب‌شناسی همکاری‌های منطقه‌ای: در موضوع همکاری‌های منطقه‌ای، تاکنون شاهد ایجاد پیمان‌هایی بوده‌ایم، ولی نکته مهم عدم تحقق اهداف این پیمان‌ها و ناموفق بودنشان در حصول کامل نتایج مورد نظر بوده است. بر همین اساس به عنوان اولین گام و در اولین مرحله آسیب‌شناسی و شناخت نقایص و ضعف‌های این پیمان‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای می‌باید مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است که تدوین و اجرای موفق گام‌های بعدی نیازمند این اقدام می‌باشد.
۳. تأکید و توجه به اقتصاد به عنوان شالوده و مهم‌ترین عامل جهت ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای: در عرصه جهانی، اقتصاد عاملی است که با توجه به اهمیت و نقشی که دارد و فراتر بودن از بسیاری سایر عوامل محدودکننده، می‌تواند به عنوان پیشران و محرک اصلی همکاری‌های منطقه‌ای مورد نظر باشد. فرای از مرزها و مباحث امنیتی، تأکید بر اقتصاد و استفاده از این موضوع می‌تواند پایه‌گذار همکاری‌های موفق منطقه‌ای باشد.
۴. تمرکز بر مشکلات، نگرانی‌ها و تهدیدات عمومی (مانند تروریسم و مواد مخدر) به عنوان دغدغه مشترک: در هر سطحی و از جمله در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، تأکید بر

اشتراکات و دغدغه‌های مشترک، به‌عنوان عاملی جهت اجماع و تشریک مساعی محسوب می‌گردد که تلاش جمعی و بالطبع حصول اهداف مشترک را به ارمغان می‌آورد. در افغانستان نیز موضوعاتی مانند مواد مخدر و تروریسم از جمله دغدغه‌های مشترک هستند که می‌توانند دستاوردی این چنینی را رقم بزنند.

۵. تلاش جهت اجماع در منافع بازیگران (با تمرکز و تأیید بر مسائلی مانند دو بند قبلی): همان‌طور که در مباحث پیش‌تر مطرح شده بیان شده بود، عدم اجماع بازیگران و منافعشان از جمله مواردی است که در ایجاد و تداوم شرایط جاری تأثیرگذار بوده و هست. جهت رفع این مشکل و حصول اجماع، تأکید و تمرکز بر مواردی مانند آنچه که در دو بند قبلی بیان شد، می‌تواند مؤثر باشد.

۶. توجه و تأکید بر ضمانت اجرا و الزام اجرای تعهدات و تفاهم‌نامه‌ها و رفع این ضعف: متأسفانه علی‌رغم وجود برخی پیمان‌ها و توافق‌نامه‌ها - چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح دوجانبه-؛ عدم اجرای معاهدات و مفاد این پیمان‌ها از جمله مواردی است که در عمل اتفاق افتاده و مشاهده می‌شود. لذا توجه به این مهم و دیدن ضمانت‌ها و تمهیدات لازم جهت اجرای موفق مفاد پیمان‌ها و توافق‌نامه‌ها از جمله مواردی است که می‌باید مورد نظر قرار گیرد.

۷. آسیب‌شناسی روابط ایران و افغانستان (اعم از دوجانبه و منطقه‌ای): به‌مانند آنچه که در مورد آسیب‌شناسی همکاری‌های منطقه‌ای بیان شد، در مورد روابط ایران و افغانستان (اعم از دوجانبه و منطقه‌ای)، متأسفانه آسیب‌ها و ضعف‌هایی وجود دارد که پیش از هر اقدام دیگری و نیز جهت حصول اهداف مد نظر، آسیب‌شناسی جهت شناخت و رفع این موارد ضروری می‌باشد.

۸. داشتن نگاه و راهبرد مشخص و مدون ایران به همکاری (اعم از دوجانبه یا منطقه‌ای) و بر همین اساس وجود اهداف، برنامه‌ها، راه‌کارها و منافع مشخص و مدون در این راستا: این مهم که نگاه ایران به افغانستان چگونه بوده و چه برنامه و اهدافی در افغانستان مد نظر می‌باشد و پیگیری می‌شود، همگی از جمله مواردی که می‌تواند در قالب راهبردی مدون،

مشخص شده و پیگیری شود. در راستای چنین راهبردی، اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها و راهکارهای مد نظر جهت حصول منافع حاصل می‌گردد. شفاف نبودن، نداشتن نگاهی مشخص، ندانستن و شناختن شرایط و اقدامات مقتضی، از جمله مواردی است که نبود راهبرد رقم می‌زند. افزون بر این شناخت و بهره‌برداری از فرصت‌های فرارو و رفع تهدیدهای آتی همگی نیازمند این اقدام می‌باشند و راهبردهای کلان جهت همکاری و استفاده از فرصت‌ها در همین راستا است که محقق می‌شود.

۹. توجه و تأکید بر راه کارهای ارتقاء و گسترش همکاری‌های دو جانبه: در راستای توسعه همکاری‌های دو جانبه ایران و افغانستان و ارتقاء و گسترش این همکاری‌ها، توجه بر برخی موارد و تلاش در بعضی زمینه‌ها نتیجه بخش‌تر بوده و می‌تواند در تحقق این مهم تأثیرگذار باشد که در همین راستا به موارد ذیل می‌باید اشاره نمود:

۱-۹- اقتصاد و اولویت‌های اقتصادی: همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اقتصاد فراتر از برخی محدودیت‌های موجود، به‌عنوان مؤثرترین عامل جهت شروع، تداوم و توسعه همکاری‌ها مد نظر بوده و می‌باید مورد توجه قرار گیرد. از اقتصاد می‌توان به‌عنوان پایه مناسب جهت همکاری‌ها استفاده نمود.

۲-۹- دیپلماسی عمومی: با توجه به همسایگی دو کشور و نیز اشتراکات و قرابت‌های فراوان دو کشور ایران و افغانستان، (تاریخ، تمدن، فرهنگ، زبان و ...)، استفاده از دیپلماسی عمومی در راستای توسعه همکاری‌ها و تحقق اهداف و منافع می‌باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد. روشی که با هزینه کم، اثرگذاری و ماندگاری بالایی دارد.

۳-۹- دیپلماسی علمی: دیپلماسی علمی و تعاملات مراکز دانشگاه و علمی با یکدیگر، ظرفیتی است که ورای هر گونه مرزی به خوبی می‌توان از آن بهره برد. این مهم به‌ویژه با توجه به اشتراکات و قرابت‌های فراوان دو کشور، در مورد ایران و افغانستان اهمیت بیشتری یافته و جای توجه و استفاده بیشتر دارد.

۴-۹- حمل و نقل و ترانزیت و انرژی: عوامل ژئوپلیتیک و به‌ویژه موقعیت کشور افغانستان در کنار عوامل ژئوپلیتیکی و موقعیت خاص جمهوری اسلامی ایران، شرایط

ویژه‌ای را مهیا نموده که به خوبی می‌توان از آن برای حمل و نقل و ترانزیت بین شرق و غرب و شمال جنوب و بالطبع توسعه همکاری‌ها استفاده نمود. علاوه بر این، موضوع انرژی- اعم از مواردی مانند نیاز به انرژی و بازارهای مصرف آن، خطوط انتقال انرژی و ...- محمولی است که در راستای توسعه تعاملات ایران و افغانستان به طور خاص مطرح بوده و می‌توان از آن استفاده نمود.

۱۰. توجه بر فرهنگ و استفاده بیشتر از آن: جدای از آنچه که در مورد فرهنگ مشترک به عنوان عاملی جهت استفاده و موفقیت در دیپلماسی عمومی بیان شد، با توجه به اشتراکات و قرابت‌های فرهنگی، توجه به فرهنگ و استفاده از ظرفیت‌های آن به عاملی پایه‌ای جهت حصول اهداف مد نظر قرار گیرد.

۱۱. استفاده از ظرفیت مهاجرین افغان: وجود نزدیک به سه میلیون مهاجر افغان در ایران، در کنار تهدیدات و آسیب‌هایی که به همراه دارد، ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی را نیز به ارمغان می‌آورد، از جمله شرایط و فرصت‌هایی که با برگشت این مهاجرین - پس از آموزش و تأثیر از جامعه ایرانی - به کشورشان، برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند.

۱۲. استفاده از فرصت‌های موجود (به مانند فرصتی که استراتژی جدید آمریکا به وجود آورده است): برخی تغییرات در محیط بین‌المللی یا منطقه‌ای یا تغییراتی که برخی بازیگران در عرصه سیاست‌ها و رفتار خود پیش می‌آورند، فرصت‌های جدیدی را جهت جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌نمایند؛ از جمله استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا در افغانستان - که رئیس آن در بخش دوم بحث ارائه شد. - در کنار برخی تهدیدات، فرصت‌هایی را نیز به ارمغان آورده که البته همان‌طور که اشاره شد استفاده و کسب نتیجه حداکثری از این فرصت‌ها نیازمند داشتن راهبرد و برنامه می‌باشد.

۱۳. ضمانت اجرا و الزام اجرای تعهدات و تفاهم‌نامه‌ها: به مانند آنچه که درخصوص همکاری‌های منطقه‌ای بیان شد، درخصوص تعاملات جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نیز، با توجه به مسائل و مشکلات که تاکنون وجود داشته و تعهداتی که اجرا نشده است

(مانند حق آبه هیرمند)، جهت اجرایی شدن و الزام اجرای تعهدات، ضمانت اجرایی و تمهیدات لازم جهت این منظور، موضوع مهمی است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۴. تأکید و تمرکز بر مشکلات، نگرانی‌ها و تهدیدات مشترک اعم از عمومی (مانند تروریسم و مواد مخدر) و دوجانبه (مانند حق آبه هیرمند و مهاجرین): همان‌طور که دو مورد همکاری‌های منطقه‌ای بیان شد، تأکید بر دغدغه‌ها و نگرانی و مشکلات مشترک، موضوعی است که می‌تواند در توسعه و تداوم همکاری‌ها بسیار تأثیرگذار باشد. این مهم درخصوص روابط دوجانبه مانند روابط ایران و افغانستان نیز صدق می‌نماید. بر همین اساس نگرانی‌ها و تهدیدات مشترک اعم از عمومی (مانند تروریسم و مواد مخدر) و دوجانبه (مانند حق آبه هیرمند و مهاجرین) می‌باید به‌عنوان مبنایی جهت توسعه همکاری‌ها در روابط دو کشور مورد تأکید و توجه قرار گیرد.